

سالک راه معرفت

مروری بر خدمات و آثار زنده‌یاد بهزاد سالکی

یاد



شهین اعوانی

دانشیار فلسفه در مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

چندین دهه پیش دانشجویان مقطع لیسانس (کارشناسی) یک رشته اصلی داشتند و یک رشته فرعی، مثلاً بنده رشته اصلی ام فلسفه بود و برای رشته فرعی ادبیات عرب را انتخاب کرده بودم. بهزاد سالکی تا جایی که در حافظه دارم در مقطع لیسانس، فلسفه را به‌عنوان رشته اصلی و کتابداری عمومی را به‌عنوان رشته فرعی خوانده بود. بنابراین کتابداری تخصصی را فرا گرفته بود و در کارشناسی ارشد هم فلسفه دین خواند.

سلوک سالکی

استاد بهاء‌الدین خرمشاهی (حفظه‌الله تعالی)، حدود سال ۱۳۴۲-اگر حافظه به‌درستی یاری کند- از هیأت باشمی مرکز خدمات کتابداری، داوطلبانه خود را به انجمن فلسفه ایران (موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران) منتقل کرد و از لحاظ معیارسازی متون، رعایت فن ویرایش صوری و محتوایی نشریه «جاویدان خرد» و به‌طور کلی انتشارات انجمن فلسفه ایران و نیز سر و سامان دادن به کتابخانه انجمن فلسفه و همچنین تکمیل و تکامل محتوای کتاب‌های انجمن فلسفه ایران بسیار مؤثر بود. مرحوم سالکی هم به گمانم چند سال پس از شروع کار استاد خرمشاهی، از مرکز خدمات کتابداری به انجمن آمد و در کتابخانه انجمن مشغول به کار شد و الحق با همکاری سرکار خانم مه‌لقا اشتری (همکار پرتلاش با کارشناسی ارشد فلسفه از دانشگاه شهید بهشتی)، پری ایران منش (دانش آموخته فلسفه) و سونیا تیماریان (دانش آموخته فلسفه از دانشگاه شهید بهشتی)، سامان دادن علمی کتابخانه و انتشارات

مؤسسه حکمت و فلسفه را برعهده گرفت و در تکمیل و خرید کتاب‌های خارجی و رفع نواقص مجموعه‌ها و کتاب‌های تازه‌انشار فلسفه کتابخانه کوشید. در شروع کار، کتابخانه تا حدود دهه ۷۰ در یک اتاق که الان اتاق ریاست مؤسسه است، قرار داشت ولی بعدها کتابخانه به زیرزمین ساختمان مرکزی انتقال یافت و واقعاً شکل یک کتابخانه تخصصی پیدا کرد. آن‌طور که حافظه‌ام یاری می‌کند، این انتقال بعد از بازنشستگی دکتر سالکی انجام گرفت. ممکن است حافظه‌ام بیست‌و‌وندی سال پیش را دقیق به یاد نیاورد یا در ثبت تاریخی وقایع اشتباهی کرده باشد؛ برای رفع این نقیصه از خانم مه‌لقا اشتری و سونیا تیماریان که قریب به سه دهه با



دکتر سالکی همکار بوده‌اند، تقاضا کردم درباره ویژگی‌های دکتر سالکی نکاتی بپرسم. خانم مه‌لقا اشتری که چند سال بعد از بازنشستگی دکتر سالکی، مسئولیت کتابخانه را بر عهده داشت، درباره ویژگی‌های اجتماعی دکتر سالکی نوشت: «روابط اجتماعی دکتر سالکی فوق‌العاده خوب بود. مؤدب، نجیب و آداب‌دان بود و همواره اگر جایی می‌رفتند که به همراه خامی بودند، حق تقدم را به خانم‌ها می‌دادند.» درباره اخلاق حرفه‌ای زنده‌یاد سالکی یادآور شده: «کتاب‌شناس بسیار حاذق و قوی در حوزه فلسفه و علوم مرتبط با آن بودند. در حوزه انتخاب کتاب و فهرست‌نویسی حرفه‌ای (چه توصیفی و چه موضوعی) تسلط داشتند. کتاب‌ها را خیلی خوب معرفی می‌کردند. به لحاظ موضوعی کل کتاب‌های کتابخانه را به گونه‌ای معرفی می‌کردند که در مخاطبش شوق خواندن ایجاد می‌شد. مخصوصاً به دانشجویان در خصوص پایان‌نامه‌ها خیلی کمک می‌کرد. بنده (مه‌لقا اشتری) خودم در دوره کارشناسی ارشد از نظرات و راهنمایی‌های ایشان بهره بسیار بردم. در زمان برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب بسیار فعال بود و در انتخاب کتاب کمک بسیار مؤثری می‌کرد. در واقع کتاب‌شناس و دوستدار کتاب بود.»

خانم سونیا تیماریان هم درباره اخلاق و منش شخصی و حرفه‌ای دکتر سالکی بپرسم: «ایشان در انتقال آنچه آموخته، انسانی بسیار سخاوتمند بودند. صبور، مهربان و بی‌دریغ در بخشیدن دانش و تجربه‌شان بودند. من بدون هیچ‌گونه آشنایی و آگاهی از مقوله‌ای به نام کتابداری یا به کتابخانه

انجمن حکمت و فلسفه ایران گذاشتم و بخت با من یار بود که ایشان سرپرستی کتابخانه را عهده‌دار بودند. بنده نه‌تنها بسیار از ایشان آموختم، بلکه به رشته کارم بسیار علاقه‌مند شدم. محیط کتابخانه به واسطه حضور ایشان فضایی گرم، صمیمی و دوست‌داشتنی بود. ایشان چه در زمینه کاری و چه در دشواری‌های زندگی، برای من همچون برادر بزرگ‌تر، دوست و راهنما بودند و همیشه قدردان

محبت‌ها و آموزه‌های‌شان خواهم بود.»

تربیت نسلی از مترجمان فلسفه

دکتر سالکی نویسنده‌ای را از ترجمه شروع کرد. طرح پژوهشی ایشان در انجمن حکمت و فلسفه نیز ترجمه کتاب «یهودیت؛ بررسی تاریخی» اثر ایزدپور استاین بود که مؤلف آن سرگذشت آیین یهود را در بستر تاریخی بررسی کرده بود. در آن زمان ما منبع فارسی درباره یهودیت و تاریخ و فرهنگ قوم یهود یا نداشتیم یا به‌ندرت منابع تخصصی داشتیم. ایشان این خلأ تحقیقاتی را به‌درستی حس کرد و این کتاب هنوز هم در رشته‌های دین‌پژوهی کشور یک منبع به شمار می‌رود. بعد از آن کار ایشان، کار حکمت و فلسفه تهران رفته و ایشان اوراق لحظه‌ای که در اتاق ایشان را باز کردم و مختصر گفت‌وگویی بین ما شکل گرفت، احساس کردم لااقل ده سال است ایشان را می‌شناسم. می‌خواستم زمینه‌چینی کنم و درباره کتاب و اهمیت نویسنده کمی توضیح دهم که متوجه شدم من با مطالعه پیشین و تسلط به موضوع نزد ایشان رفته‌ام و مشتاق این کار هستم، اما آن بزرگوار پیشدستی کرد و بدون کوچک‌ترین غرور و تکبری اظهار کرد: «اگر دوست داشته باشی، من به شما کمک می‌کنم!» فراموش نشود که در آن زمان من یک جوان ۲۵ ساله و کم‌تجربه و ایشان یک استاد پخته و دارای سوابق علمی قابل توجه در سن ۶۵ سالگی بودند! با این رفتار، شیفته ایشان شدم و در انتخاب این موضوع مصمم و انگیزه‌ام مضاعف شد. با نظر تصمیمات تکمیلی دانشگاه ادیان و مذاهب، مقرر شد با توجه به حجم بالای کتاب، دو نفر از هم‌کلاسی‌ها بخش‌های دیگر کتاب را به‌عنوان پایان‌نامه ترجمه کرده تا کتاب تکمیل و در نهایت چاپ شود. نکته جالب آنکه به رغم اینکه آن دو همکار راهنما و مشاوران دیگری داشتند و علی‌الاول نیازی نبود ایشان در کار آنان کمک کند، اما با تعهد و دلسوزی و مسئولیت مثال‌زدنی در زمانی که نیاز بود به آنان نیز مشورت می‌داد و جالب‌تر اینکه هرزمان تلفنی یا حضوری با ایشان گفت‌وگو می‌کردم از همکاران من در این پروژه احوال‌پرسی می‌کرد و میزان پیشرفت کارشان را از من جویا می‌شد. زمانی که مشغول به کار ترجمه کتاب و نگارش مقدمه آن شدم، ایشان به دقت و با وسواس فراوان ترجمه‌های من را مطالعه می‌کرد و اشکالاتم را تذکر می‌داد و در عین حال بسیار مرا تشویق می‌کرد و همین تشویق‌ها برای جوانی مثل من شوقی مضاعف را ایجاد می‌کرد تا کاری کم‌نقص‌تر ارائه دهم. چند ماه بعد و با توجه به اینکه در مقطع



علی فتاعیان

جهرمی
هیات علمی
دانشگاه بین‌المللی
مذاهب اسلامی

برای من سخن گفتن از مرحوم دکتر بهزاد سالکی پس از وفات ایشان دشوار است، بویژه اینکه آخرین بار در اواخر اردیبهشت سال جاری به صورت تلفنی با ایشان گفت‌وگو کردم و همیشه با خلق خوب و بدون ذره‌ای چشمداشت موضوعی را که قصد داشتم با او مطرح کنم پیگیری کرد و در نهایت قرار گذاشتیم با هماهنگی قبلی، ایشان را در محل کارشان که پس از بازنشستگی دفتری کوچک حوالی میدان «گل‌ها» تهران بود ملاقات کنم؛ دیداری که که کمال تأسف با وفات ایشان میسر نشد. سابقه آشنایی من با اولین آثار مرحوم دکتر سالکی به نیمه دوم دهه ۸۰ خورشیدی که دانشجوی کارشناسی رشته ادیان بودم بازمی‌گردد؛ آنجا که ترجمه کتاب «یهودیت، بررسی تاریخی» اثر ایزدپور استاین را در کتابخانه دانشگاه دیده و بخش‌هایی از آن را خواندم و همچنین در دوره کارشناسی ارشد هم بخش‌های تخصصی‌تر کتاب را مطالعه کردم و به یک آشنایی دقیق‌تر از دین یهود رسیدیم. اما سابقه ملاقات نزدیک و دوستی ما به ۱۵ سال قبل یعنی سال ۱۳۹۰ بازمی‌گردد، زمانی که دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه ادیان و مذاهب قم بودم و به پیشنهاد یکی دیگر از اساتید خوبم قصد داشتم کتاب «جنگ‌های یهودیان» اثر یوسفوس فلاویوس را به‌عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد ترجمه کنم. البته کتاب‌های دیگری در حوزه‌های دیگر هم مدنظر بود و موضوعات تألیفی دیگر هم به من پیشنهاد شده بود، اما به توصیه یکی از دوستانی که با ایشان آشنا بود و از اخلاق نیک ایشان تعریف و تمجید کرده بود، با هماهنگی تلفنی با ایشان به مؤسسه

آموزش فلسفه دین به‌عنوان رشته تحصیلی جدی‌تر گرفته شد و در ادامه، ترجمه‌اش را بر مجموعه آثار محقق به نام میرچا الیاده (Mircea Eliade)، متفکر رومانیایی و یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین متفکران و پژوهشگران در حوزه دین‌پژوهی، اسطوره‌شناسی و فلسفه متمرکز کرد. الیاده در مطالعات ادیان، اسطوره‌شناسی و دین‌پژوهی، یک پژوهشگاه باشد؛ در خوشبینانه‌ترین شکل آن، بود ولی تا آن زمان در ایران چندان شهرتی نداشت. الیاده در رشته فلسفه و ادیان با ترجمه فارسی کتاب «مقدس و نامقدس؛ ماهیت دین» که دکتر سالکی آن را به انجام رسانید، شناخته و مشهور شد. سالکی کتاب سه‌جلدی «تاریخ اندیشه‌های دینی» الیاده را نیز به فارسی برگرداند. جلد اول این دوره از عصر حجر تا اسرار التوسیس، جلد دوم از کهنه بودا تا پیروزی مسیحیت و جلد سوم از محمد(ص) تا عصر اطلاعات را شامل می‌شود.

سالکی آثار زیادی از خود بجا گذاشته ولی الان همه آنها را در حافظه ندارم. می‌دانم که ایشان در کار ترجمه متون فلسفی از انگلیسی به فارسی دقیق‌النظر بود و زحمات فراوانی در ارتقای ترجمه متون فلسفی کشید و در سال‌های اخیر، انتشار ترجمه خود از کتاب «تفسیری از دین؛ پاسخ‌های انسان به امر متعالی» اثر جان هیک را به انتشارات کردگن سپرد. ترجمه ایشان از کتاب «تاریخ دین» اثر دایستون تیتارو سوزوکی، با همکاری یکی از دانشجویان انجام گرفت. ایشان کار علمی مشترک با دانشجویان دیگری بخصوص در حوزه فلسفه دین در چندین عنوان کتاب و تعداد قابل‌توجهی مقاله مشترک دارد. دکتر سالکی در تربیت نسل مترجم فلسفه حومه فراوان داشت. اگر دانشجوی یا محقق برای راهنمایی معادل‌یابی اصطلاحات به ایشان رجوع می‌کرد، ساعت‌ها به دانشجویان مختلف در زمینه ریشه‌یابی اصطلاحات و... را معرفی می‌کرد. ایشان با مقالات مشترکی با دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه‌ها دارد. همکار محترم بنده، جناب سالکی در مقطع کارشناسی ارشد به دانشجویان روش تحقیق و نیز تکمیل مجموعه‌ها در کتابخانه ییاد می‌داد. آموزش عملی کتاب‌شناسی تخصصی



فلسفه و بخصوص فلسفه دین یکی از ویژگی‌های ایشان است. زمانی که ایشان در انجمن فلسفه ایران همکاران بود، کتابخانه انجمن مستقل نبود و زیر نظر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی فعالیت می‌کرد. بودجه کتابخانه هم از پژوهشگاه تعیین می‌شد. در آن موقع بودجه کتابخانه‌ها خیلی مضیق بود تا چه رسد به کتابخانه‌ای که زیرمجموعه یک پژوهشگاه باشد؛ این روش حسنه‌ای است اگر بودجه قطع نشود، قطره‌چکانی می‌شود. با این وصف بازمهم کافی بود دانشجویی برای موضوعی در مقطع کارشناسی یا دکتری به سراغ کتابخانه انجمن حکمت و فلسفه ایران می‌آمد و به لحاظ معرفی منابع تخصصی در موضوع خود، راهنمایی می‌خواست. سالکی طوری رفتار عالمانه مؤثری داشت که دانشجوی خود به خود جذب انجمن می‌شد. ساعات زیادی از روز را در کتابخانه انجمن به‌سر می‌برد. سالکی در راهنمایی دانشجویان کمک شایان توجهی می‌کرد. این روش حسنه‌ای است

که همکاران کتابخانه در دوره ریاست آقای سالکی، آن را به همکاران دوسه نسل بعد از خود نیز انتقال دادند. سالکی مثل همه همکاران کتابخانه به مالکیت کتاب کتابخانه حساس بود. رفتار اداری ایشان با همکاران کتابخانه بسیار حساس بود. جمع آنها مثل یک خانواده بودند.

در نهایت اگر بخواهم ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی مرحوم دکتر سالکی را در چند جمله خلاصه کنم، باید از چهار ویژگی برجسته و ممتاز

ایشان یاد کنم: ۱-دوستدار و متعهد به خانواده، ۲-اخلاق‌مدار در کار، ۳-کتاب‌دوست، ۴-حساس به آگاهی از تازه‌های کتاب (در سطح ملی و بین‌المللی) و ارتقای فن یا علم کتاب‌شناسی. تا زمانی که آقای دکتر اعوانی عهده‌دار ریاست مؤسسه بودند، هر سال یک‌بار معمولاً در اردیبهشت که حیات انجمن زیبایی بهاری خاصی دارد، همه همکاران علمی و اداری و خدماتی به همراه خانواده‌های آنها دعوت می‌شدند. صمیمت خاصی در این میهمانی موج می‌زد. دکتر سالکی هم مثل بقیه همکاران از این گردش‌هایی به گرمی استقبال می‌کرد. یاد‌باد آن روزگار یاد باد. بیادش گرمی و نامش در بین همکاران جاودان باد.

الگوی ادب، امید و تواضع ➡ یادکردی از مرحوم دکتر بهزاد سالکی

سالکی آثار متعددی را در زمینه ادیان و عرفان و مذاهب و فلسفه و کلام، ترجمه و تألیف و ویراستاری کرده است که برخی از آنان عبارتند از:

فلسفه تاریخ (ترجمه مجموعه مقالات از دایرةالمعارف فلسفه)
فرهنگ فلسفه (جمعی از مترجمان؛ به سرپرستی غلامرضا اعوانی)

ترجمه کتاب **فلسفه دین**: اثر جان هیک
ترجمه کتاب **تجد پند**: کاوشی در قلمرو روحانی: اثر جان هیک
ترجمه کتاب **تفسیری از دین**: پاسخ‌های انسان به امر متعالی: اثر جان هیک
ترجمه کتاب **تاریخ اندیشه‌های دینی**: اثر میرچا الیاده (سه مجلد)

ترجمه کتاب **یهودیت، بررسی تاریخی**: اثر ایزدپور ایپستاین
ترجمه کتاب **مقدس و نامقدس** (ماهیت دین): اثر میرچا الیاده
ترجمه کتاب **دین‌شناسی تطبیقی**: کدازنات تیواری، ترجمه بهزاد سالکی و مرضیه شنکائی
ترجمه کتاب **تاریخ خداباوری**: ۴۰۰۰ سال جست‌وجوی یهودیت، مسیحیت و اسلام، کارن آرمسترانگ، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی و بهزاد سالکی

ویراستاری کتاب **عرفان مسیحی و بودایی**: اثر دایستون تیتارو سوزوکی، ترجمه عذرا اسماعیلی
ویراستاری **نگرشی بر تاریخ فلسفه اسلامی**، ترجمه محمود زارعی بلشتی
ویراستاری کتاب **تاریخ فلسفه اسلامی**، جمعی از مترجمان؛ زیر نظر سید حسین نصر
ویراستاری کتاب **گرایش‌ها و مکاتب اصلی عرفان یهود**: ترجمه علیرضا فهیم

در نهایت، با آرزوی صبر برای بازماندگان آن مرحوم، امیدوارم روح ایشان شاد باشد و از اعماق جودم آرزو می‌کنم راهی را که این استاد ارجمند برای ارتقا و بهبود کیفیت رشته‌های ادیان و فلسفه و دین‌پژوهی باز کردند، ادامه یابد.



دکتر بهزاد سالکی در جمع دانشجویان رشته ادیان و عرفان (دانشگاه الزهرا(س))

مترجم آگاه ودقیق

به یاد استاد پرتلاش دکتر بهزاد سالکی و تقدیم به همه آنان که در میانه جنگ در پی حیات بخشی‌اند



لیلا هوشنگی
دانشیار گروه ادیان و عرفان دانشگاه الزهرا(س)

«در مملکت ما، تاریخ در ایجاد نابغه همیشه خست نشان داده است»، این عنوان مصاحبه‌ای است با استاد فقیه، دکتر عباس زریاب خویی در بهمن ۱۳۴۷ که با نگاهی به لایه‌های زیرین تاریخ حیات اجتماعی ما بر نکته‌ای مهم دست می‌گذارد: خست نسبت به اهل علم که به‌قول دکتر زریاب رزق و روزی خود را از نوک تارک قلم باید کسب کنند. اما در این روزگار شاهدیم که همین اهل قلم، کمتر پاداشتی می‌بینند و حتی گاهی با بی‌مهری روزگار سپری می‌کنند و متأسفانه در واپسین روزهای رنج‌آمیز زندگی این مسیر را «تنها» به انتها می‌رسانند.

نخستین دیدارم با دکتر بهزاد سالکی به خوبی در خاطر دارم. در دانشگاه تهران مشغول به تحصیل در دوره دکتری بودیم - حدوداً ۷۸ سال‌های ۷۹- البته ایشان دوره بالاتر بودند و بنابر نظام مکتب‌خانه‌ای حاکم بر گروه ادیان و عرفان، بیش از هشت سال بود که درگیر و دار قوانین نظام آموزشی ظاهراً نوین به مرحله دفاع از

ت‌ز نزدیک شده بودند. اما برخلاف روال معمول نه لب به گلّه و شکایت از درس و کلاس‌ها می‌گفتند و نه از تقدیر نالیدند، بلکه ایشان سر صحبت را با کارهای علمی شروع کردند. من درباره مقاله «بنی اسرائیل» که برای «دانشنامه جهان اسلام» نوشته بودم سخن گفتم و اینکه کتاب «بررسی تاریخی یهود» اثر استاین چه تکن‌کاری ارزشمندی است و چقدر بدان در کار پژوهشی و نیز ترجمه اتکا داشته‌ام. در کمال تعجب، ایشان با شوقی وافر و استنادانه تشویق‌کرد به ترجمه این کتاب، فضای حاکم بر گروه‌های علمی آن دوره این گونه بود که نباید جوان‌ترها دست به قلم شوند، این همه دلسوزی و اعتمادبخشی از سوی ایشان برایم بسیار ارزشمند بود. حتی مشفقانه رویه‌ای را برای پیشبرد کار ترجمه هم مطرح کردند: وقت ثابت در شبانه‌روز می‌کرد. یاد‌باد آن روزگار یاد باد. بیادش گرمی و نامش در بین همکاران جاودان باد.

ترجمه کتاب **فلسفه دین**: اثر جان هیک
ترجمه کتاب **تجد پند**: کاوشی در قلمرو روحانی: اثر جان هیک
ترجمه کتاب **تفسیری از دین**: پاسخ‌های انسان به امر متعالی: اثر جان هیک
ترجمه کتاب **تاریخ اندیشه‌های دینی**: اثر میرچا الیاده (سه مجلد)

ترجمه کتاب **یهودیت، بررسی تاریخی**: اثر ایزدپور ایپستاین
ترجمه کتاب **مقدس و نامقدس** (ماهیت دین): اثر میرچا الیاده
ترجمه کتاب **دین‌شناسی تطبیقی**: کدازنات تیواری، ترجمه بهزاد سالکی و مرضیه شنکائی
ترجمه کتاب **تاریخ خداباوری**: ۴۰۰۰ سال جست‌وجوی یهودیت، مسیحیت و اسلام، کارن آرمسترانگ، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی و بهزاد سالکی

در نهایت، با آرزوی صبر برای بازماندگان آن مرحوم، امیدوارم روح ایشان شاد باشد و از اعماق جودم آرزو می‌کنم راهی را که این استاد ارجمند برای ارتقا و بهبود کیفیت رشته‌های ادیان و فلسفه و دین‌پژوهی باز کردند، ادامه یابد.

در نهایت، با آرزوی صبر برای بازماندگان آن مرحوم، امیدوارم روح ایشان شاد باشد و از اعماق جودم آرزو می‌کنم راهی را که این استاد ارجمند برای ارتقا و بهبود کیفیت رشته‌های ادیان و فلسفه و دین‌پژوهی باز کردند، ادامه یابد.



بسیار سهل‌گیر بودند. در ماجرای چاپ کتابی در گردن به عنوان «سه مشوق و معرف مترجم، خانم بنوقل قزل‌بیگلر، بودند. بویژه مسیر سنگلاخ برای بانوان را در کارهای علمی به خوبی درک می‌کردند و در پیشبرد و به انجام رساندن کار از هیچ حمایت و کمکی دریغ نداشتند. آخرین دیدار ما در مؤسسه پژوهشی انجمن حکمت بود و در ایامی به نام بازنشستگی که بدان رغبتی نداشتند، در آن ساختمان زیبای قدیمی انجمن حکمت در خیابان نوفل‌لوشاتو، اتاقی نه چندان نورگیر و مناسب کار به ایشان داده بودند، دلخوری را کوتاه برگزار کردند. در این روند در عمل کاری از دست ما بر نمی‌آمد - مثل همیشه- و از همان کاری هم که برمی‌آمد کوتاهی کردیم و احوالی نپرسیدیم و دیگر از او بی‌خبر ماندیم تا اینکه در گروه اساتید خبر رحلت ایشان را دیدیم.

آنگونه که از فهرست آثار علمی دکتر سالکی برمی‌آید ایشان همت خود را بر ترجمه آثار تخصصی گذارده بودند، و قطعاً در این مسیر در پی تحقق هدف علمی مشخصی بودند. ترجمه را به خوبی دریافتنه بودند، گاهی ترجمه اثری خوب می‌تواند تأثیرگذارتر از ده‌ها اثر تألیفی باشد، هم در ایجاد نگرش نو و هم در آموزش روش‌های نوین؛ علاوه بر این، آثار ترجمه‌ای مفید و آموزنده اگر به نثر روان و سلیس برگردانده شوند دمنی هستند به پویایی اثر به زبان فارسی در حیطه‌های تخصصی. با مرور دقیق آثار ترجمه شده بزرگان فارسی‌دانی همچون حسن کامشاد و بهاء‌الدین خرمشاهی می‌توان دید که خود ترجمه آنان شگهاری است به زبان فارسی. در بیشتر آثاری که دکتر سالکی ترجمه کرده‌اند شاهدیم که مؤلف، شمای کلی را مد نظر داشته و عمدتاً با نگاهی نقادانه به تاریخ اندیشه، تاریخ ادیان و سیر تحولات در مفاهیم بنیادین تفکر فلسفی و دینی پرداخته است. فهم دقیق زبان مبدأ، با توجه به تسلط ایشان به زبان انگلیسی و فارسی‌دانی سبب شده تا در این متون‌های نوگم‌ر به‌دشواری فهم مرحله شویم. اساساً برگردان اصطلاحات به فارسی حاکی از تلاش و فضل ایشان است. متأسفانه در این سال‌های اخیر شاهد حجم انبوهی از ترجمه‌های به چاپ رسیده از آثار کلاسیک و جدید هستیم که در همان سطور اول یا صفحات اولیه ناچاریم کتاب را به کنار بگذاریم چون قابل فهم نیستند. افزون بر نداشتن و احاطه بر زبان مبدأ و مقصد در ترجمه، آگاهی دکتر سالکی از تاریخ جهان، تاریخ تفکر و دوره‌های مختلف تاریخی در غرب و شرق، و نیز شناخت ایشان از سنت‌های دینی و عرفانی مختلف در ترجمه آثار مختلف و نویسندگانی از جمله کارن آرمسترانگ و میرچا الیاده مشهود است. درباره ترجمه ایشان از کتاب «تاریخ خداباوری» در سه سنت دینی یهود و مسیحیت و اسلام به همین بسنده می‌کنم که ترجمه دیگری از همین اثر، نوشته خانم کارن آرمسترانگ منتشر شده و با مقایسه‌ای اجمالی از عنوان اثر گرفته تا محتوای کتاب می‌توان احاطه علمی دکتر سالکی را به صورتی مشهود دریافت.



دانشگاهی ترجمه را کاری نه چندان مفید و حتی به سبب عدم اشرف متولیان، عبی به نگاهسته‌اند؛ این نمره‌ای نداشته جز سرفت ادبی و انتحال، حال در قالب کتاب‌هایی بی‌آغاز و انجام یا مقاله‌سازی و امثال آن. فهرست آثار دکتر سالکی در کار ترجمه نشانه‌ای است از درک اهمیت این حوزه و نیز انتخاب این آثار، حاکی از انتخابی آگاهانه است تا روزه‌ای را به افق‌های جدید فکری برای نسل‌های بعدی بگشایند. سخن آخر اینکه بنابر تمثیلی در انجلیس، ایشان با نگاه مثبته مشعلی هستند که با نور ایمان روشن می‌مانند و روشنایی می‌بخشند، ایمان به آگاهی و آگاهی بخشی.